

مدل رابطه‌ای انگیزه خودتعیینی با اخلاق ورزشی ورزشکاران نخبه ایران (مطالعه موردی: لیگ یک فوتبال ایران)

علیرضا حجی‌پور^۱، مهرزاد حمیدی^۲، سیدنصرالله سجادی^۳، و محمد خبیری^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۰۶

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تدوین مدل رابطه‌ای خودتعیینی با اخلاق ورزشی ورزشکاران نخبه ایران بود. روش پژوهش، همبستگی و ازلحاظ هدف، کاربردی بود. جامعه آماری این پژوهش تمام فوتبالیست‌های لیگ آزادگان کشور در فصل ۱۳۹۶-۱۳۹۵ بودند. نمونه آماری ۲۲۳ بازیکن بودند که به صورت تصادفی انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه‌های اخلاق ورزشی و انگیزه ورزشی استفاده شد که روایی آن‌ها توسط ۱۰ تن از اساتید مدیریت ورزشی تعیین و پایایی آن‌ها از طریق آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با ۰/۸۸ و ۰/۷۹ به دست آمد. برای تحلیل داده‌ها از روش معادلات ساختاری برای بررسی روابط علی بین متغیرهای مشاهده شده استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که بین انگیزه خودتعیینی و اخلاق ورزشی ارتباط مثبت و معناداری وجود داشت. نتایج آزمون تحلیل مسیر تأییدی حاکی از برازش ارتباط بین خودتعیینی و اخلاق ورزشی بود. تمامی بارهای عاملی بین مؤلفه‌ها و عوامل در سطح معقولی قرار داشتند و مدل از برازش مناسبی برخوردار بود که در نهایت، مدل مفهومی پژوهش تأیید شد؛ بنابراین، براساس یافته‌ها، تعیین اهداف اخلاقی و عملکردی خاص می‌تواند زمینه‌های بروز اخلاق ورزشی را برانگیزاند یا هدایت کند. همچنین، برای شکل‌گیری رفتار اخلاقی، زمینه‌های عینی و عملکرد واقعی نسبت به زمینه‌های شناختی و ذهنی می‌تواند اثرهای عمیق‌تری داشته باشند؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود با اعمال رفتارهای عینی مانند گزینش مربیان دارای رفتارهای خوب و منطقی و استخدام روان‌شناس ورزشی و عینی‌کردن نتایج رفتارهای خوب ورزشکاران، برای نهادینه کردن رفتارهای اخلاقی ورزشکاران اقدام شود.

کلیدواژه‌ها: اخلاق ورزشی، انگیزه خودتعیینی، ورزشکاران نخبه، لیگ فوتبال.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی برنامه‌ریزی و مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

Email: Ahajipour_55@yahoo.com

۲. دانشیار گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران

۳. استاد گروه مدیریت ورزشی دانشگاه تهران

مقدمه

در کاربردهای روان‌شناسی با رویکرد اخلاق ورزشی، ارزش‌ها به‌عنوان ریشه اخلاق معرفی شده‌است و با تأکید بر مسئله روح ورزشی، به اخلاق ورزشی توجه شده‌است. از دیدگاه روان‌شناختی، رفتار اخلاقی لازمه تربیت شخصیت فرد است (فروغی‌پور، صابونچی و پاک‌طینت، ۲۰۱۱). اگر روان‌شناسی را علم رفتار و حالت‌های روانی انسان و سایر موجودات زنده بدانیم و بپذیریم که ورزش یک رفتار است و طبیعتاً دارای ابعاد روان‌شناختی است، بنابراین می‌توانیم روان‌شناسی ورزش را دانش مطالعه، شناخت و توسعه رفتارها و حالت‌های روانی و اخلاقی ورزشکاران و درگیر هستند (شعبانی‌بهار، عرفانی، حکمتی، ۲۰۱۲). پیشینه پژوهشی متغیرهای مرتبط با موضوع پژوهش مبین این است که برای رسیدن به ورزشکارانی که اخلاق ورزشی را ارج می‌نهند، باید به عوامل انگیزه خودتعیینی که باعث ارتقای اخلاق ورزشی آنان می‌شوند توجه خاصی کرد و هریک از عوامل برانگیزاننده را بررسی کرد. افزون‌براین، شناخت نیازها، انگیزه‌ها و عواملی که بر میزان رضایت و انگیزش آن‌ها اثر می‌گذارد، در بهبود اخلاق ورزشی بسیار اهمیت دارد (سیدعامری، ۲۰۱۴). معادل واژه «اخلاق» واژه «اتیکس» است که از ریشه یونانی «اتوس» مشتق شده است و به معنی «منش» است (محمدی و گل‌وردی، ۲۰۱۳). به نقل از وود و رنسچر^۳ (۲۰۰۳)؛ براین‌اساس، منش ورزشی را می‌توان مترادف اخلاق ورزشی دانست (حجی‌پور، ۲۰۱۲). اخلاق ورزشی دربردارنده این است که ورزشکار تمایل دارد چگونه و با چه پیش‌زمینه‌هایی در

میدان‌های ورزشی شرکت کند (والراند و لوزیر^۴، ۱۹۹۴). تا به امروز، سه دیدگاه نظری برای درک هرچه بهتر گرایش به منش ورزشی وجود دارند: اولین دیدگاه نظریه شناختی - اجتماعی بندورا^۵ (۱۹۸۶) است که بیان می‌کند الگوها و تشویق‌های ارائه‌شده تعیین‌کننده باورهای افراد ورزشکار درباره رفتارهای بهنجار و نابهنجار در محیط‌های ورزشی هستند؛ هان^۶ (۱۹۸۳) رویکرد دیگر را ارائه کرد که مضامینی از مدل رشدی-ساختاری به‌ویژه ظرفیت شخص در پذیرش توافقی‌های انجام‌شده روی مسائل اخلاقی را در برمی‌گیرد. دیدگاه روانی-اجتماعی را که سومین دیدگاه نظری در ارتباط با اخلاق ورزشی است، والراند و همکاران ارائه کرده‌اند. همچنین، عوامل مؤثر در اخلاق ورزشی عبارت‌اند از: احترام به قوانین و مقررات، احترام به مسئولان، احترام به حریفان، احترام به تصمیم داوران، عکس‌العمل در برابر اشتباهات و تفکربردگرایی (حجی‌پور، شریفیان، نورایی، ۲۰۱۲). به‌طور کلی، انگیزش را می‌توان نیروی محرک فعالیت‌های انسانی و عامل جهت‌دهنده آنها تعریف کرد (عباسقلی‌پور، شهبازی و باقرزاده، ۲۰۱۴). یکی از رویکردهای انگیزشی که در سال‌های اخیر توجه زیادی را به خود جلب کرده است، نظریه خودتعیینی^۷ است که دسی و ریان^۸ (۲۰۱۱) آن را مطرح کردند. هر تلاشی که فرد برای تغییر فعالیت‌ها، فکر و احساس خود انجام می‌دهد، خودتعیینی است. تمرکز عمده این نظریه بر انگیزه‌درونی^۹، انگیزه بیرونی^{۱۰} و پرداختن به سه نیاز بنیادین^{۱۱} (نیاز به خودمختاری^{۱۲}، احساس شایستگی^{۱۳} و ارتباط^{۱۴}) در انسان است که در این پژوهش عوامل انگیزه خودتعیینی عبارت‌اند از:

8. Deci & Ryan
9. Intrinsic Motivation
10. Extrinsic Motivation
11. Basic Need
12. Autonomy
13. Competence
14. Relatedness

1. Ethics
2. Ethos
3. Wood & Rentscher
4. Vallerand & Losier
5. Bandura
6. Hun
7. Self-Determination Theory

انگیزه درونی (برای دانستن، برای به‌انجام‌رساندن و برای تحریک تجربه)؛ ۲- انگیزه بیرونی (شناسایی، درون‌فکنی و مقررات خارجی)؛ ۳- بی‌انگیزی. نظریه خودتعیینی بین دو نوع از انگیزه براساس دلایل یا اهدافی که به عمل منجر می‌شوند، تفکیک قائل می‌شود: انگیزه درونی که به انجام فعالیت به‌خاطر خود فعالیت اشاره دارد؛ زیرا، شخص از فرایند کار لذت می‌برد و انگیزه بیرونی که به انجام فعالیت به‌خاطر پیامدهای مجزا از خود فعالیت اشاره دارد؛ مانند دستیابی به پاداش و اجتناب از مجازات (ریان و دسی، ۲۰۰۰ الف). نخبه در کلی‌ترین مفهوم آن، به گروهی از اشخاص گفته می‌شود که در هر جامعه‌ای مواضع رفیع را در اختیار دارند. به‌بیان‌جزئی‌تر، نخبه مشتمل بر گروهی از افراد است که در رشته‌ای خاص برتری دارند. معمولاً نخبگان ورزشی دربرگیرنده تمام ورزشکارانی هستند که دارای خصوصیات استثنایی و منحصربه‌فرد هستند و دارای استعداد و قابلیت‌هایی عالی در زمینه رشته ورزشی هستند (اقدسی، ۱۹۹۳). با توجه به اینکه اساس نظریه خودتعیینی را نیازهای بنیادین روان-شناختی تشکیل می‌دهند که به‌عنوان انرژی لازم برای کمک به درگیری فعال با محیط، پرورش مهارت‌ها و رشد سالم در نظر گرفته می‌شوند (دسی و ریان، ۲۰۱۱)، یکی از عوامل توجیه‌کننده پیشرفت‌های ورزشکاران نخبه در مهارت‌ها، انگیزش است. به‌عبارت‌دیگر، دربین ورزشکاران افرادی یافت می‌شوند که علاقه و انگیزش بیشتری از خود نشان می‌دهند. این علاقه و انگیزه پیشرفت ورزشی آن‌ها را تا حدودی توجیه می‌کند (سرای‌زاده، ۲۰۰۸). شیوع عوامل استرس‌زا نظیر داوری بد در جریان مسابقه، وجود شرایط بد محیطی، واکنش تماشاگران در جریان مسابقه، تمایل به برد به قیمت دور شدن از اخلاق ورزشی، تجربه آسیب‌دیدگی، تقلب رقیب، احتمال تقلب با هدف بردن، توییح بازیکن توسط مربی و انتقاد مربی در جریان مسابقه، ضرورت وجود

مهارت‌های مقابله‌ای مؤثر را برای حفظ سلامت روانی ورزشکار و دستیابی به موفقیت ورزشی اجتناب‌ناپذیر می‌کند؛ زیرا، ناتوانی در مقابله با عوامل استرس‌زا برای عملکرد موفقیت‌آمیز ورزشکاران زیان‌بخش خواهد بود (بشارت، ۲۰۰۷). با توجه به اینکه انگیزه درونی بالاترین حد از خودتعیینی است، باید به‌تفصیل به عوامل و نیروهایی که به ایجاد یا آسیب آن منجر می‌شوند، پرداخته شود. نظریه خودتعیینی بیان می‌کند که عوامل محیطی از طریق اثرگذاری بر ادراک یا رضایتمندی از نیازهای خودمختاری، شایستگی و ارتباط، بر انگیزه درونی به‌عنوان بهترین شکل خودتعیینی تأثیر می‌گذارند (گانیه و دسی، ۲۰۰۵). در نظریه خودتعیینی، نیازهای روان‌شناختی برای استقلال عمل (احساس خودتعیینی در انجام فعالیت)، صلاحیت (احساس صلاحیت فرد در رفتار با اطرافیان) و ارتباط (احساس داشتن روابط اجتماعی حمایتی و رضایت-بخش) وجود دارد. وقتی که افراد به‌صورت درونی برانگیخته می‌شوند، رفتارهایی را انجام می‌دهند که هدف آن‌ها کسب لذت و رضایت درونی از انجام آن رفتار است. وقتی که افراد از لحاظ بیرونی برانگیخته می‌شوند، رفتارهایی را با هدف کسب نتایج شاخص یا پاداش بیرونی انجام می‌دهند (نیک‌بخش، میرزایی و جهان‌ساز، ۲۰۱۵). همچنین، انگیزش بیرونی می‌تواند خودخواسته یا خودناخواسته باشد. در زمینه‌ای که دلایل بیرونی برای انجام فعالیت به‌وسیله شخص پذیرفته و درونی می‌شود، انگیزش بیرونی خودخواسته می‌گردد. در این شرایط، مشارکت در فعالیت کاملاً ارادی است و انگیزش بیرونی کاملاً به‌وسیله خود شخص تأیید می‌شود؛ یعنی علل بیرونی، درونی و بدین ترتیب، خودخواسته می‌شوند. درمقابل، انواع انگیزش بیرونی خودناخواسته به رفتارهایی اشاره دارند که دیگران به فرد تحمیل کنند؛ بنابراین، در وسط پیوستار خودتعیینی، چهار نوع انگیزش بیرونی قرار دارند که

۲۰۱۱، ص. ۱۷). این نیازها به‌صورت فطری در تمامی انسان‌ها وجود دارند و برای خودتنظیمی^۵ و بهزیستی افراد ضروری هستند. این نیازها عبارت‌اند از: نیاز به خودپیرویی، شایستگی^۶ و تعلق^۷ (ریان و دسی، ۲۰۰۰ ب). نیاز به خودپیرویی شامل داشتن احساس انتخاب در شروع، نگهداری و تنظیم فعالیت‌ها است. خودپیرویی هنگامی اتفاق می‌افتد که افراد احساس کنند علت رفتارشان هستند (فیلاک و شیلدون^۸، ۲۰۰۳). شایستگی عبارت است از نیاز به مؤثر بودن در تعامل با محیط که بیانگر میل برای به‌کاربردن استعدادها و مهارت‌ها در انجام کار، دنبال کردن چالش‌های بهینه و تسلط یافتن بر آن‌ها است. تعلق، ساختار انگیزشی مهمی است؛ زیرا، زمانی که روابط میان‌فردی از نیاز افراد به تعلق حمایت می‌کنند، افراد وظایف خود را بهتر انجام می‌دهند، در برابر استرس انعطاف‌پذیرتر می‌شوند و مشکلات روان‌شناختی کمتری دارند (ریو^۹، ۲۰۰۵). یکی از اصول بنیادی نظریه خودتعیینی این است که یک الگوی سلسله‌مراتبی از انگیزش درونی و بیرونی را ارائه می‌کند. این الگو ادعا می‌کند که تحلیل کامل فرایند انگیزش باید سه سازه مهم؛ یعنی انگیزش درونی، انگیزش بیرونی و بی‌انگیزگی را مورد توجه قرار دهد (موسوی، کیامنش، اخوان تفتی، ۲۰۱۵). «انگیزش درونی» به انگیزه‌ای اشاره دارد که افراد را به‌صورت خودجوش و درونی به انجام تکلیفی خاص به حرکت وامی‌دارد و جدای از پاداش‌های بیرونی انجام خود تکلیف، برای فرد ارزشمند و رضایت‌بخش است. انگیزش بیرونی عبارت است از اشتغال به کارهایی که خود وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف دیگر هستند (والراند و لوزیر، ۱۹۹۴؛ کلارک و اسچروز^{۱۰}، ۲۰۱۰).

8. Filak & Sheldon
9. Rio
10. Clark & Schroth

می‌توان آن‌ها را براساس درجه خودمختاری از یکدیگر متمایز کرد: ۱- تنظیم آمیخته؛ انگیزش بیرونی کاملاً خودخواسته است که کنترل رفتار موافق با سایر ارزش‌ها، اهداف و نیازهای شخص است (دسی و ریان، ۲۰۰۰)؛ ۲- تنظیم خودپذیر؛ انگیزش بیرونی خودخواسته که در آن، کنترل رفتار به دلیل اهمیت شخصی انجام می‌گیرد و فرد به‌صورت ارادی محاسن عقیده یا رفتار خاصی را می‌پذیرد و این نوع تفکر و رفتار را سودمند می‌داند؛ ۳- تنظیم درون‌فکنی شده؛ انگیزش بیرونی تا اندازه‌ای خودخواسته که در آن، کنترل رفتار برای جلوگیری از اشتباه یا شرمساری صورت می‌گیرد؛ ۴- تنظیم بیرونی؛ انگیزش بیرونی خودخواسته که در آن، رفتار به وسیله قدرت پاداش، اجبار، یا ترس از مجازات کنترل می‌شود. بی‌انگیزگی زمانی اتفاق می‌افتد که فرد علاقه‌ای به انجام عمل ندارد که ممکن است به دلیل نبود تجربه شایستگی یا بی‌ارزش بودن آن کار و فعالیت روی دهد (ریان و دسی، ۲۰۰۰ ب). در نظریه خودمختاری دسی و ریان، به هم پیوستگی موضوع‌ها سلسله‌مراتبی را در انگیزش پیشنهاد می‌دهد که می‌توان آن را در سطح کلی در یک موقعیت و در یک زمینه به کار برد. والراند و لوزیر (۱۹۹۹) برای سطح کلی آن به ترتیب مراحل زیر را پیشنهاد می‌دهند:

فانکوره‌های اجتمالی (فشار دماینی خودپیرویی) ← میانجی‌های روانی انگیزش ← خودمختاری

اساس نظریه خودتعیینی را نیازهای بنیادین روان‌شناختی تشکیل می‌دهند که به‌عنوان انرژی لازم برای کمک به درگیری فعال با محیط، پرورش مهارت‌ها و رشد سالم در نظر گرفته می‌شود (دسی و ریان،

1. Integrated Regulation
2. Identified Regulation
3. Introjected Regulation
4. External Regulation
5. Self-regulation
6. Competence
7. Relate

مفهوم بی‌انگیزگی تا حدودی شبیه به مفهوم درماندگی آموخته‌شده است. وقتی افراد در حالتی هستند که احساس می‌کنند عملی که انجام می‌دهند خارج از مهار آنان و در مهار نیروهای بیرونی است، به صورت درونی یا بیرونی برانگیخته نمی‌شوند و اجتناب را انتخاب می‌کنند (ریان و دسی، ۲۰۰۰ ب؛ کلارک و اسپرورز، ۲۰۱۰). آمیس (۱۹۹۲) بیان می‌کند که با توجه به نقش محوری انگیزه در نظریه خودتعیینی و بر مبنای نظریه انگیزش توفیق‌گرایی، افراد برای کسب موفقیت و احساس شایستگی استانداردها و معیارهای متفاوتی دارند. در حالی که برخی ورزشکاران کسب مهارت و تسلط در اجرا را معیار تفسیر موفقیت می‌دانند، گروه دیگری برنده شدن و شکست دادن دیگران را عامل شایستگی و احساس موفقیت خود محسوب می‌کنند. گروه اول با ویژگی تکلیف‌مداری و گروه دوم با ویژگی خودتعیینی شناسایی می‌شوند. در نظریه توفیق‌طلبی نیز علاوه بر ویژگی‌های فردی، از عوامل محیطی در شکل‌گیری اهداف و تفسیر رفتارها یاد شده است که به عنوان فضای انگیزشی شناسایی می‌شوند؛ بر این اساس، دو فضای انگیزشی در محیط‌های ورزشی از هم تفکیک‌شدنی هستند. از یک سو، ممکن است ورزشکاران در محیطی فعالیت کنند که در آن تحت تأثیر دیدگاه و نظرهای افراد مهم برای ورزشکار مانند مربیان، معیار شایستگی و موفقیت، تنها در برنده شدن و به عبارت دیگر، شکست دادن دیگران محدود شده باشد. از سوی دیگر، محیطی که در آن کسب شایستگی منوط به پیشرفت شخصی، تلاش و اجرای خوب است. فضای اول، فضای بردمخور و فضای دوم را فضای انگیزشی اجرامحور می‌نامند (آمیس؛ ۱۹۹۲). نظریه توفیق‌طلبی با بیان این موضوع که تفاوت در تفسیر رویدادها و دامنه رفتارهای قابل قبول از سوی

ورزشکاران، تحت تأثیر حاکمیت هریک از معیارهای احساس موفقیت و شایستگی است، چهارچوب مناسبی را برای مطالعه در زمینه اخلاق ورزشی فراهم کرده است (نیکولاس؛ ۱۹۸۴، ص. ۳۳۰). همچنین، ورزش که موجب ساختن یک شخصیت اخلاقی‌گرا می‌شود، از دوران باستان وجود داشته است و از همان زمان طرفداران بسیاری از جمله افلاطون را داشته است. فیلسوف اگزیستانسیالیست چون کاموس^۳ نیز اظهار کرد مقوله‌ای که او در آن به واقع اخلاقیات را آموخت، ورزش بود (یوسفی، شریفیان، قهرمان تبریزی، ۲۰۱۳). والراند و همکاران (۱۹۹۴) در پژوهش خود این نتیجه را به دست آوردند که در طی زمان، انگیزه خودتعیینی و گرایش اخلاق ورزشی ارتباط متقابل مثبتی دارند و انگیزه خودتعیینی تأثیر بیشتری بر اخلاق ورزشی دارد. نتایج پژوهش شهزاد، لقمان، خان و شابیبر (۲۰۱۲) نشان داد که اگر کارکنان متعهد باشند و هنجارها و ارزش‌های مشابه سازمانی داشته باشند، می‌توانند عملکردشان را در جهت دستیابی به اهداف کلی سازمان، افزایش دهند (شهزاد و همکاران، ۲۰۱۲). نتایج پژوهش مونسیس، استرادا، سیناترا، تانوکسی و پالو^۴ (۲۰۱۳) نشان داد که اثرهای اصلی جنس و نوع ورزش بر گرایش ورزشی و اثرهای غیرمستقیم گرایش ورزشی بر اخلاق ورزشی، به عنوان نقش واسطه‌ای انگیزه خودتعیینی ورزشی هستند. بر اساس نظر کانت، رفتار اخلاقی ویژه کسی است که از شخصیت خوبی بهره‌مند باشد. رفتار یک فرد با چنین ویژگی‌ای بر اساس احساس وظیفه‌ای ناب و پاک است؛ نه با توجه به نتیجه عمل (سیدعامری، ۲۰۱۵). به عقیده جورج اورول (۱۹۸۴)، به نقل از یوسفی و همکاران، (۲۰۱۳) متفکر توانای انگلستان، ذات ورزش مدرن بیان می‌کند که ورزش نوین هیچ نشانی از بازی جوانمردانه و منصفانه

1. Ames
2. Nicholls

3. Camus
4. Monacis, Estrada, Sinatra, Tanucci & Palo

ندارد. وی می‌نویسد: ورزش نوین محدود می‌شود به عداوت، حسادت، فخرفرشی، بدون در نظر گرفتن هیچ یک از قوانین و دربردارنده نوعی لذت سادیستی از تماشای خشونت است. به عبارت دیگر، ورزش نوین یک جنگ منهای تیراندازی با تفنگ است. حسینی و عباسی (۲۰۱۲) به این نتیجه رسیدند که به کارگیری نیروی انسانی مقید به رعایت اخلاقیات و قانون در سازمان‌ها، آموزش عملی اخلاق توسط کارکنان مقید و پایبند به رعایت اخلاقیات و قانون و درنهایت، تدوین منشور اخلاقی برای سازمان‌ها، از جمله راهکارهای نهادینه‌کردن اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌ها هستند (حسینی و عباسی، ۲۰۱۲). یافته‌های پژوهش شجاع و همکاران (۲۰۱۲) نشان داد که بهبود شناخت و آگاهی‌های اخلاقی بازیکنان ممکن است بتواند مسئله اخلاق را در فوتبال ایران، برای همیشه از درون و نه از طریق اجبارهای قانونی حل کند که در این بین نقش مربیان و مدیریت باشگاه‌ها بسیار اهمیت دارد. رقابت ممکن است رفتارهای غیراخلاقی و ضداجتماعی را تقویت کند. چنین مواردی مانند پرخاشگری و توهین به رقیب و داور به‌طور مکرر در رسانه‌ها نیز مشاهده می‌شوند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که برای درک بهتر ارتباط ورزش رقابتی با توسعه رفتارهای اخلاقی در محیط‌های ورزشی، انجام پژوهش‌های بیشتری لازم است. همچنین، برخی از پژوهشگران تأکید داشته‌اند که در بررسی‌های مربوط به اخلاق ورزشکاری و عملکردهای اخلاقی، انگیزش فرد در ورزش‌های رقابتی باید ملاحظه شود (میلر روبرتز و اماندسون، ۲۰۰۴). امروزه می‌بینیم که میدان‌های مقدس ورزش آلوده به آفت‌هایی شده‌اند که بیشتر ماهیت ضداخلاقی دارند؛ یعنی همان آفت‌هایی که ورزش داعیه مبارزه با آن‌ها را دارد. آفت‌هایی همچون رقابت غیرسالم، غیرجوانمردانه و برخلاف قوانین و مقررات وضع شده، بازی جوانمردانه که امروز شعار محافل ورزشی است،

آنچنان که باید از سوی بعضی از ورزشکاران، مربیان و حتی مدیران و دست‌اندرکاران رعایت نمی‌شود و استفاده از داروها و مواد محرک، تسهیل‌کننده و نیروزا که بسیاری از آن‌ها برای سلامتی تن و روان مضر هستند، در سطوح مختلف سنی و ورزشی در حال گسترش است (خیری، اسدی، فراهانی و گودرزی، ۲۰۱۲). ورزش به‌عنوان یکی از پدیده‌های مؤثر در ساخت فرهنگ و اخلاق جامعه می‌تواند نقشی کارساز در بالندگی جوانان، الگوسازی و تفاخر ملی ایفا کند (فروغی‌پور و همکاران، ۲۰۱۰). مسئله اخلاق ورزشی در ورزش کشور در میان جامعه ورزش به‌عنوان یک امر ضروری مطرح است و مشکلات اخلاقی شماری از ورزشکاران، در نزد مدیران ورزش کشور به یکی از معضلات فرهنگی تبدیل شده‌اند. براساس مطالعه‌ای جامعی که پژوهشگر در این حوزه انجام داد، پژوهشی که مشابه با یا نزدیک به موضوع حاضر باشد مشاهده نکرد؛ بنابراین، خلأ پژوهشی در این حوزه کاملاً روشن است که این امر دلیل محکمی بر ضرورت و اهمیت اجرای این پژوهش و پژوهش‌هایی از این قبیل در ایران است. در کشورمان، رشد سجایای اخلاقی و رعایت موازین آن مورد تأکید مسئولان است و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ بنابراین، پرداختن به این سؤال که فوتبال‌بلیست‌ها از نظر رعایت موازین اخلاقی در چه موقعیت و از نظر انگیزه خودتعیینی در چه سطحی هستند، بسیار اهمیت دارد (خبیری، ۲۰۰۲). طی چند دهه اخیر، در پژوهش‌هایی که در زمینه اخلاق ورزشی انجام شده‌اند، نتایج بسیار جالب توجه و درعین حال غیرمنتظره‌ای به‌دست آمده است. احترام به قوانین، حریفان، داوران و تماشاگران، به‌همراه گذشت، بردباری، جوانمردی، فقدان خشونت و تهاجم، به‌کارنبردن الفاظ زشت، استفاده نکردن از داروهای نیروزا (دوپینگ) و مسائلی از این قبیل، از آن جمله هستند (ندایی و علوی، ۲۰۰۸)؛ البته نتایج به‌دست‌آمده

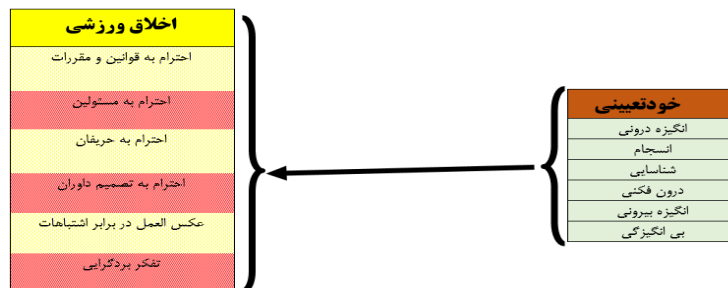
از پژوهش‌های مختلف همگی یکسان نیستند؛ به‌عنوان مثال، در پژوهشی که اخیراً انجام شد، از مجموع ۸۰۳ جوان ورزشکار، نزدیک به ۱۰ درصد به تقلب خود اعتراف کردند؛ ۱۳ درصد تلاش کرده‌اند تا به حریف خود آسیب برسانند؛ ۳۱ درصد تصدیق کردند که با مقامات و مسئولان رسمی مشاجره کرده‌اند؛ ۱۳ درصد اذعان کردند که هم‌تیمی کمترماهر خود را مسخره کرده‌اند و ۲۷ درصد نیز بر رفتار غیرورزشی (غیراخلاقی) خود صحنه گذاشتند (شیلدرز و بردمایر، ۲۰۰۶، ص. ۳). امروزه، درحالی‌که حاشیه‌ها و فساد اخلاقی موجود در فوتبال به چالشی همه‌گیر در سراسر دنیا تبدیل شده است، بسیاری از کودکان، نوجوانان و جوانان شاهد رسوایی و رفتارهای غیراخلاقی الگوهای اجتماعی خود هستند که این امر می‌تواند ضربه‌های جبران‌ناپذیری برای جامعه به‌همراه داشته باشد. برپایه نظر متخصصان، هر رفتار پیامدهایی دارد و جوانان در فرهنگی متأثر از رسانه‌ها بزرگ می‌شوند؛ جایی که می‌بینند دروغ، بی‌حرمتی، رفتارهای زشت و ناپسند ورزشکاران، مربیان و سایر افراد درگیر در ورزش موردعلاقه‌شان، عادی می‌شود و اخلاق به عنوان مانع پیشرفت در محیط‌های حرفه‌ای محسوب می‌شود (شجیع و همکاران، ۲۰۱۴). فوتبال ایران نیز به‌طور گسترده‌ای با پدیده بی‌اخلاقی و پیامدهای آن روبه‌رو است. از برخوردهای زنده بازیکنان با یکدیگر درمقابل چشم مردم و ده‌ها دوربین تلویزیونی گرفته تا بیابیه‌های زنده مربیان سرشناس علیه یکدیگر، فحاشی تماشاچیان ناراضی به داوران، ورزشکاران و مربیان، همه‌وهمه نشان‌دهنده وضعیتی است که از دیدگاه برخی از کارشناسان فوتبال ایران «بحران نامیده می‌شود. در هر پدیده پول‌ساز و تجاری‌ای مانند فوتبال که تأمین‌کننده منافع بسیاری از افراد و ابزار قدرت باشد، ایجاد و بروز مسائل ساده و پیچیده اخلاقی در آن طبیعی و قابل‌پیش‌بینی است؛ اما نحوه

رویارویی و کنترل آن‌ها امری است که به چالشی فراگیر در وضعیت کنونی تبدیل شده است. به‌عبارت دیگر، یک تصمیم اشتباه یا غیراخلاقی می‌تواند زمینه ایجاد چندین مسئله جدید و درنهایت، چرخه‌ای تصاعدی از مسائل اخلاقی گوناگون را فراهم کند (شجیع و همکاران، ۲۰۱۴). رقابت به‌ویژه در فوتبال ممکن است رفتارهای غیراخلاقی و ضداجتماعی را تقویت کند. چنین مواردی مانند پرخاشگری و توهین به رقیب و داور، به‌طور مکرر در رسانه‌ها نیز قابل مشاهده هستند؛ بنابراین، به‌نظر می‌رسد که برای درک بهتر ارتباط ورزش رقابتی با توسعه رفتارهای اخلاقی در محیط‌های ورزشی، انجام پژوهش‌های بیشتری لازم است (میلر و همکاران، ۲۰۰۴). حاکمیت دیدگاه‌هایی با رویکرد نتیجه‌گرای، عقد قراردادهای کلان، رقابت باشگاه‌ها در جذب بازیکنان شاخص از نظر فنی و بدون توجه به قابلیت‌های اخلاقی آن‌ها، بهره‌برداری از ورزش به‌عنوان یک صنعت و تبلیغات تجاری و دورشدن بازیکنان شاخص و قهرمانان از اخلاق و معنویت، به شکل‌گیری نوع جدیدی از ورزشکاران بی‌توجه به اخلاق منجر شده‌اند. اینکه مدیران ورزشی آینده باید درباره خودتعیینی و اخلاق ورزشی مطالعه کنند، امری قطعی است و این علم، دیگر موضوعی کم‌ارزش، نامربوط یا درعمل بسیار دشوار نخواهد بود. در دنیا پژوهش‌های نسبتاً خوبی در راستای بررسی رفتار، انگیزش و اخلاق ورزشکاران با عناوینی همچون روحیه ورزشی، بازی جوانمردانه، اخلاق ورزشی و اخلاق در ورزش انجام شده‌اند؛ باوجوداین، هنوز انجام پژوهش‌های بسیار بیشتری در زمینه بررسی ویژگی‌های اخلاقی، انگیزه خودتعیینی و رفتاری ورزشکاران از دیدگاه‌های مختلف و در سطوح متفاوت لازم است تا بتوان به نتایجی دقیق‌تر و نسخه‌ای کارآمدتر در مورد این ویژگی‌ها رسید؛ بنابراین، با نظری‌اجمالی بر پژوهش‌های موجود در این زمینه که

توجه به اینکه کشور ما فوتبال حرفه‌ای دارد و از فوتبال‌بالیست‌های نخبه برخوردار است، ضرورت الگو و مدل رابطه‌ای خودتعیینی با اخلاق ورزشی ورزشکاران نخبه ایران به‌عنوان برند اخلاقی - خودتعیینی در ورزش و فوتبال مبرهن است تا در کشور استفاده شود. به‌نظر می‌رسد که این پژوهش بتواند به کشور و به‌خصوص فوتبال ما کمک کند؛ از این‌رو، هدف از انجام این پژوهش، مدل‌سازی رابطه انگیزه خودتعیینی با اخلاق ورزشی ورزشکاران نخبه ایران (مطالعه موردی: لیگ یک فوتبال ایران) است.

مدل مفهومی پژوهش

در این پژوهش، متغیر خودتعیینی به‌عنوان متغیر مستقل و متغیر اخلاق ورزشی به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شدند. با تکنیک تحلیل مسیر (مدل‌های ساختاری) ارتباط متغیرها بررسی شد و با تکنیک تحلیل عاملی، مدل‌های اندازه‌گیری به متغیر مکنون تبدیل شدند.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

جمع‌آوری اطلاعات موردتوجه بودند، از روش پیمایشی نیز استفاده شده است.

شرکت‌کنندگان

تمام بازیکنان فوتبال لیگ یک (آزادگان) کشور در فصل ۱۳۹۶-۱۳۹۵ به تعداد ۴۳۲ فوتبال‌بالیست، جامعه آماری پژوهش را تشکیل دادند. بیشتر جامعه مورد مطالعه؛ یعنی ۶۱ درصد (۱۳۶ نفر) مجرد و ۳۹

هریک از آن‌ها نتایج مفید و قابل‌استناد و شایسته کسب کرده‌اند، سخن گفتن از اخلاق «چه آسان»، اما «عمل کردن» به آن مشکل است و موضوعی نیست که به‌سادگی بتوان آن را کسب کرد یا آن را تجربه کرد؛ بنابراین، پژوهش‌هایی از این قبیل می‌توانند در نگرش یک ورزشکار یا هر کسی که با ورزش سروکار دارد، تغییر ایجاد کنند (حجی‌پور، حمیدی، سجادی و خبیری، ۲۰۱۷). اعمال اخلاقی و غیراخلاقی در فوتبال ملت‌ها و به‌ویژه در کشور ما گاهی اوقات اتفاق می‌افتند و این اعمال از سوی بازیکنان، داوران، مربیان، تماشاگران و غیره به‌نوعی متفاوت هستند. صرفاً در زمینه اخلاق ورزشی و انگیزه خودتعیینی به‌صورت جداگانه پژوهش‌های بسیاری انجام شده‌اند و پژوهشگران به نتایجی نیز دست یافته‌اند؛ اما با بررسی‌های انجام‌شده، درباره مدل رابطه‌ای خودتعیینی با اخلاق ورزشی ورزشکاران نخبه ایران به‌ویژه در فوتبال، پژوهشگر به پژوهشی مشابه دست نیافت؛ از این‌رو، با

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به‌لحاظ هدف، از نوع کاربردی و به‌لحاظ روش، از نوع توصیفی-همبستگی است که به‌صورت میدانی انجام شده است. از آنجایی که پنهانگری، نمونه‌گیری و انتخاب تعدادی از اعضای جامعه آماری به‌عنوان نمونه و استفاده از تکنیک پرسش‌نامه در

درصد (۸۷ نفر) متأهل بودند. درمیان گروه‌های سنی، افراد ۳۰-۲۵ سال بیشترین فراوانی را داشتند. از نظر تحصیلات، چهار درصد از ورزشکاران دارای مدرک تحصیلی متوسطه به پایین، ۴۸/۹ درصد دیپلم، ۳۸/۶ درصد کاردانی و ۸/۵ درصد دارای مدرک تحصیلی کارشناسی بودند. به لحاظ شغلی، ۶/۷ درصد دانشجوی، ۳۱/۸ درصد دارای شغل آزاد، ۴۲/۶ درصد ورزشکار و ۱۸/۸ درصد دارای سایر مشاغل بودند. درمیان ۲۲۳ نفر از افراد نمونه، هشت نفر (معادل ۳/۶ درصد) زیر پنج سال، ۹۶ نفر (معادل ۴۳ درصد) بین پنج تا ۱۰ سال سابقه، ۹۶ نفر (معادل ۴۳ درصد) بین ۱۰ تا ۱۵ سال سابقه، ۲۲ نفر (معادل ۹/۹ درصد) بین ۱۵ تا ۲۰ سال سابقه و یک نفر (معادل ۰/۴ درصد) بین ۲۰ تا ۲۵ سال سابقه بازی داشتند. از افراد نمونه مورد مطالعه، به غیر از فوتبال، ۶۳ نفر (معادل ۲۸/۳ درصد) در رشته والیبال، ۲۲ نفر (معادل ۹/۹ درصد) در رشته تنیس، دو نفر (معادل ۰/۹ درصد) در رشته کشتی، سه نفر (معادل ۱/۳ درصد) در رشته بسکتبال، ۲۲ نفر (معادل ۹/۹ درصد) در رشته هندبال، نه نفر (معادل ۴ درصد) در رشته شنا و ۱۰۲ نفر (معادل ۴۵/۷ درصد) در رشته بدنسازی فعالیت می‌کردند. با توجه به تعداد تیم‌های باشگاهی حاضر در لیگ آزادگان (یک) ایران فصل ۱۳۹۶-۱۳۹۵ که تعدادشان ۱۸ تیم بود و هر تیم ۲۴ بازیکن داشت، ۴۳۲ فوتبالیست جامعه آماری پژوهش را تشکیل دادند. طبق جدول مورگان، نمونه آماری برابر با ۲۰۳ تعیین شد و با توجه به روش آماری پژوهش، تعداد سؤال‌های دو ابزار (۴۰ سؤال براساس رویی سازه) و برای اطمینان از بازگشت تعداد مناسب پرسش‌نامه، تعداد ۴۰۰ پرسش‌نامه از هر دو ابزار (به‌ازای هر سؤال ۱۰ پرسش-نامه)، میان بازیکنان باشگاه‌های حاضر در لیگ یک کشور، فصل ۱۳۹۶-۱۳۹۵ به صورت تصادفی ساده (اتفاقی) توزیع شدند که در نهایت، ۲۲۳ پرسش‌نامه

قابل بررسی بودند و تجزیه و تحلیل شدند. با توجه به محدودیت‌های موجود در فوتبال حرفه‌ای، برای اینکه همه فوتبالیست‌ها شانس مساوی و مستقلى برای انتخاب داشته باشند و به علت دسترسی نداشتن به همه ورزشکاران و همکاری نکردن احتمالی آن‌ها، از نمونه-گیری تصادفی ساده استفاده شد.

ابزار و شیوه گردآوری داده‌ها

با توجه به جدول شماره یک، برای جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با اخلاق ورزشی، در این پژوهش از پرسش‌نامه مقیاس چندبعدی گرایش به اخلاق ورزشی استفاده شد. این پرسش‌نامه شامل ۲۵ پرسش است که دربردارنده شش مفهوم احترام به روابط اجتماعی، احترام به قوانین و مسئولان، تعهد به ورزشی که به آن پرداخته می‌شود، احترام و توجه به حریف و فقدان رویکرد منفی در جهت عملکرد ورزشی است. ولراند و همکارانش (۱۹۹۴) برای اولین بار منش ورزشی را به صورت واژه‌ای شامل مفاهیم یادشده بیان کردند. این پرسش‌نامه با مقیاس لیکرتی پنج‌ارزشی که با امتیازهای یک برای عبارت «اصلاً با من ارتباط ندارد» تا امتیاز پنج برای عبارت «کاملاً با من ارتباط دارد» امتیازگذاری شد. تنها پرسش‌های ۵، ۱۰، ۱۵، ۲۰ و ۲۵، سؤال‌هایی که بر مفهوم مورد نظر دلالت می‌کنند، به‌طور معکوس امتیازگذاری شدند تا با امتیازگذاری سایر مفاهیم، هم‌جهت شوند. برای اندازه‌گیری انگیزه خودتعیینی نمونه مورد مطالعه، از پرسش‌نامه ۱۸ سؤال انگیزه ورزشی لونسدال^۲، هادج، هارگریوس، الاین و جوهان، (۲۰۱۴) استفاده شد که شامل مؤلفه‌های انگیزه درونی، انسجام (آمیخته خودپذیر)، شناسایی، درون‌فکنی، انگیزه بیرونی و بی‌انگیزگی بود که براساس مقیاس هفت‌گزینه‌ای لیکرت از نمره یک برای عبارت «اصلاً درست نیست» تا نمره هفت برای عبارت «کاملاً درست است» نمره‌گذاری شد. همچنین، در این

1. Multidimensional Sportmanship Orientations Scale

2. Sport Motivation Scale
3. Lonsdale et al

سایر مفاهیم همسو شوند.

پرسش‌نامه سؤال‌های ۱، ۳، ۶، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۶ و ۱۸، به‌طور معکوس نمره‌گذاری شدند تا با نمره‌گذاری

جدول ۱. سنجه‌های مربوط به زیرمؤلفه‌های پرسش‌نامه‌ها

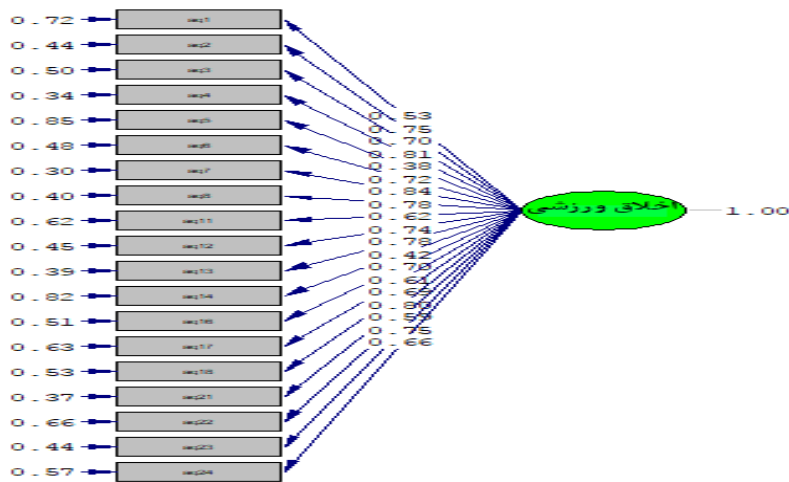
پرسش‌نامه	تعداد گویه	سؤال‌های زیرمؤلفه‌ها				
		احترام به قوانین	احترام به مسئولان	احترام به حریف	احترام به داور	برخورد با اشتباهات
اخلاق ورزشی	۲۵	۱۲-۷	۲۲-۱۰	۶-۹-۱۴- ۱۶-۱۹- ۲۱-۲۴	۱۷-۲	۲۵-۲۰-۱۵-۸
انگیزه ورزشی	۱۸	انگیزه درونی	انسجام	شناسایی	درون‌فکنی	انگیزه بیرونی
		۱۳-۷-۲	۵-۴-۱۵	۱۷-۱۱-۹	۱۲-۱۴ ۳	۶-۱-۱۶
						بی‌انگیزگی
						۸-۱۰-۱۸

شاخص‌های نیکویی برازش تناسب کامل الگو با داده‌های مشاهده‌شده را تأیید می‌کنند. براساس شکل شماره ۳، در پرسش‌نامه اخلاق ورزشی، تمامی بارهای عاملی مربوط به گویه‌ها بالای ۰/۵ بودند؛ به‌جز سؤال‌های ۹، ۱۰، ۱۵، ۱۹، ۲۰ و ۲۵ که این سؤال‌ها به‌دلیل داشتن بار عاملی ضعیف از مجموعه سؤال‌ها حذف شدند. پایایی پرسش‌نامه‌ها به‌وسیله آزمون آلفای کرونباخ برای اخلاق ورزشی ۰/۸۸ و برای انگیزه ورزشی ۰/۷۹ محاسبه شد.

برای سنجش روایی دو پرسش‌نامه به‌کاربرده‌شده در پژوهش، از دانش و تجربیات ۱۰ تن از اساتید و اعضای هیئت‌علمی گرایش مدیریت ورزشی دانشگاه مرتبط با حوزه مورد مطالعه استفاده شد. برای تعیین روایی سازه از تحلیل عاملی استفاده شد که با توجه به شکل شماره دو، در پرسش‌نامه انگیزه ورزشی، تمامی بارهای عاملی مربوط به گویه‌ها بالای ۰/۵ بودند که نشان‌دهنده این است که مدل مربوطه از روایی سازه برخوردار است و



شکل ۲. تحلیل عاملی پرسش‌نامه انگیزه ورزشی



شکل ۳. تحلیل عاملی پرسش‌نامه اخلاق ورزشی

روش‌های پردازش داده‌ها

اصلی پژوهش و از آمار استنباطی شامل آزمون کلموگروف-اسمیرنوف^۱ برای بررسی طبیعی بودن توزیع داده‌ها، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، فراوانی، درصد فراوانی و غیره) برای توصیف متغیرهای

1. Kolmogorov-Smirnov Test

جامع برای آزمون فرضیه‌هایی درباره روابط بین متغیرهای مشاهده‌شده و مکنون است که گاهی تحلیل ساختاری کواریانس، مدل‌یابی علی نامیده می‌شود. همه داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای اس.پی.اس.اس و لیزرل تحلیل شدند.

یافته‌ها

جدول دو نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف را برای وضعیت توزیع داده‌ها نشان می‌دهد. براساس این جدول، در تمامی متغیرهای پژوهش مقدار پی کمتر از ۰/۰۵ است. این بدین معنی است که فرض طبیعی نبودن توزیع داده‌ها رد می‌شود؛ بنابراین، داده‌ها از توزیع طبیعی برخوردارند.

تعیین ارتباط و آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای بررسی وضعیت متغیرهای اصلی پژوهش استفاده شد. برای بررسی روابط علی بین متغیرهای مشاهده‌شده (مستقل) و مکنون (وابسته)، از روش معادلات ساختاری و نرم‌افزار لیزرل نسخه ۸٫۸ استفاده شد. از طریق تحلیل مسیر، برای بررسی رابطه علی میان آن‌ها، از نرم‌افزارهای اس.پی.اس.اس^۲ و لیزرل استفاده شد. مدل‌یابی معادلات ساختاری یک تکنیک تحلیل چندمتغیری بسیار کلی و نیرومند از خانواده رگرسیون چندمتغیری و به بیان دقیق‌تر، بسط مدل خطی کلی است که به پژوهشگر امکان می‌دهد مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون را به گونه هم‌زمان مورد آزمون قرار دهد. مدل‌یابی معادلات ساختاری یک رویکرد آماری

جدول ۲. نتیجه آزمون کلموگروف-اسمیرنوف

مؤلفه	Z کلموگروف-اسمیرنوف	مقدار پی
احترام به قوانین	۱/۰۷	۰/۱۳
احترام به مسئولان	۰/۹۵	۰/۱۷
احترام به حریف	۱/۱۹	۰/۱۱
احترام به داور	۰/۶۸	۰/۳۵
برخورد با اشتباهات	۱/۲۲	۰/۰۹
تفکر بردگرایی	۱/۱۸	۰/۱۴
انگیزه درونی	۱/۰۵	۰/۲۴
انسجام	۱/۱۶	۰/۰۷
شناسایی	۰/۹۷	۰/۲۲
درون‌فکنی	۱/۰۶	۰/۱۲
انگیزه بیرونی	۱/۰۱	۰/۱۴
بی‌انگیزگی	۰/۰۶	۰/۲۰

میانگین فرضی است. این بدین معنی است که وضعیت اخلاق ورزشی در شرایط نسبتاً خوب و مطلوبی قرار دارد. براساس اطلاعات جدول شماره سه، بین میانگین انگیزه خودتعیینی و میانگین فرضی (صفر) تفاوت

برای بررسی وضعیت اخلاق ورزشی ورزشکاران نخبه، از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شد. مطالعه جدول سه مشخص می‌کند که بین میانگین تمامی مؤلفه‌های اخلاق ورزشی و میانگین فرضی (سه)، تفاوت معناداری وجود دارد؛ به طوری که میانگین اخلاق ورزشی بالاتر از

2. Statistical Package for Social Science (SPSS)

1. Linear Structural Relations (Lisrel)

معناداری وجود دارد؛ به طوری که میانگین انگیزه خودتعیینی بالتر از میانگین فرضی است. این شرایط نسبتاً خوب و مطلوبی قرار دارد.

جدول ۳. نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای در سنجش متغیر ملاک و پیش‌بین

معناداری	حد بالا	حد پایین	تفاوت میانگین	درجه آزادی	تی	انحراف معیار	میانگین	مؤلفه	متغیر ملاک
۰/۰۰۱	۱/۳۶	۱/۱۶	۱/۲۶	۲۲۲	۲۴/۷۸	۰/۷۶	۴/۲۶	احترام به قوانین	
۰/۰۰۱	۰/۵۳	۰/۲۹	۰/۴۱	۲۲۲	۶/۹۱	۰/۹۰	۳/۴۱	احترام به مسئولان	
۰/۰۰۱	۰/۹۶	۰/۷۸	۰/۱۸۷	۲۲۲	۱۸/۷۷	۰/۶۹	۳/۸۷	احترام به حریف	
۰/۰۰۱	۱/۱۶	۰/۹۳	۱/۰۴	۲۲۲	۱۷/۸۰	۰/۸۸	۴/۰۴	احترام به داور	
۰/۰۰۱	۰/۶۰	۰/۴۰	۰/۵۰	۲۲۲	۹/۸۶	۰/۷۶	۳/۵۰	برخورد با اشتباهات	
۰/۰۰۱	۱/۲۱	۱/۰۳	۱/۱۲	۲۲۲	۲۴/۴۲	۰/۶۸	۴/۱۲	تفکر بردگرایی اخلاقی	
۰/۰۰۱	۰/۹۲	۰/۷۷	۰/۱۸۴	۲۲۲	۲۲/۷۲	۰/۵۵	۳/۸۴	ورزشی (مجموع)	
۰/۰۰۱	۲۷/۸۸	۱۹/۲۱	۲۳/۵۴	۲۲۲	۱۰/۷۰۰	۳۲/۸۶	۲۳/۵۴	انگیزه خودتعیینی	

داور، برخورد با اشتباهات، تفکر بردگرایی و اخلاق ورزشی، ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. بین مؤلفه درون‌فکنی با مؤلفه‌های احترام به قوانین، احترام به مسئولان، احترام به حریف، برخورد با اشتباهات، تفکر بردگرایی، و اخلاق ورزشی، ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد؛ اما بین درون‌فکنی و مؤلفه احترام به داور ارتباط معناداری مشاهده نشد. بین مؤلفه انگیزش بیرونی با مؤلفه احترام به قوانین، ارتباط منفی و معنادار، بین انگیزش بیرونی با مؤلفه‌های احترام به مسئولان و برخورد با اشتباهات، ارتباط مثبت و معنادار و بین انگیزش بیرونی با مؤلفه‌های احترام به حریف و احترام به داور، تفکر بردگرایی و اخلاق ورزشی، ارتباط

برای تعیین ارتباط بین مؤلفه‌های انگیزه خودتعیینی و اخلاق ورزشی، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. براساس جدول شماره چهار، بین مؤلفه انگیزه درونی با مؤلفه‌های احترام به قوانین، احترام به مسئولان، احترام به حریف، احترام به داور، برخورد با اشتباهات، تفکر بردگرایی و اخلاق ورزشی، ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. بین مؤلفه انسجام با مؤلفه‌های احترام به قوانین، احترام به مسئولان، احترام به حریف، احترام به داور، برخورد با اشتباهات، تفکر بردگرایی و اخلاق ورزشی، ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. بین مؤلفه شناسایی با مؤلفه‌های احترام به قوانین، احترام به مسئولان، احترام به حریف، احترام به

معناداری مشاهده نشد. بین مؤلفه بی‌انگیزگی با مؤلفه‌های احترام به مسئولان، احترام به حریف، احترام به داور، برخورد با اشتباهات و اخلاق ورزشی، ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد؛ اما بین مؤلفه بی‌انگیزگی با مؤلفه‌های احترام به قوانین و تفکر بردگرایی معناداری مشاهده نشد. بین مؤلفه انگیزه خودتعیینی (مجموع مؤلفه‌ها) با مؤلفه‌های احترام به قوانین، احترام به مسئولان، احترام به حریف، احترام به داور، برخورد با اشتباهات، تفکر بردگرایی و اخلاق ورزشی، ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد.

جدول ۴. نتایج آزمون ضریب همبستگی در سنجش مؤلفه‌های خودتعیینی و اخلاق ورزشی

مؤلفه	احترام به قوانین	احترام به مسئولان	احترام به حریف	احترام به داور	برخورد با اشتباهات	تفکر بردگرایی	اخلاق ورزشی
همبستگی پیرسون معناداری	۰/۲۹	۰/۱۹	۰/۳۳	۰/۲۶	۰/۱۸	۰/۴۳	۰/۳۹
	*۰/۰۰۱	*۰/۰۰۵	*۰/۰۰۱	*۰/۰۰۱	*۰/۰۰۸	*۰/۰۰۱	*۰/۰۰۱
همبستگی پیرسون معناداری	۰/۲۷	۰/۲۸	۰/۳۳	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۴۱	۰/۳۹
	*۰/۰۰۱	*۰/۰۰۵	*۰/۰۰۱	*۰/۰۰۸	*۰/۰۰۸	*۰/۰۰۱	*۰/۰۰۱
همبستگی پیرسون معناداری	۰/۳۸	۰/۱۶	۰/۳۳	۰/۲۶	۰/۲۴	۰/۱۵	۰/۴۱
	*۰/۰۰۱	*۰/۰۰۵	*۰/۰۰۱	*۰/۰۰۱	*۰/۰۰۱	*۰/۰۰۲	*۰/۰۰۱
همبستگی پیرسون معناداری	۰/۱۶	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۰۸	۰/۱۴	۰/۱۸	۰/۲۱
	*۰/۰۰۱	*۰/۰۰۷	*۰/۰۰۷	*۰/۰۰۳	*۰/۰۰۳	*۰/۰۰۸	*۰/۰۰۱
همبستگی پیرسون معناداری	-۰/۱۸	۰/۲۸	-۰/۰۱	۰/۰۴	۰/۲۸	۰/۰۵	۰/۰۹
	*۰/۰۰۸	*۰/۰۰۱	*۰/۰۰۱	*۰/۰۰۱	*۰/۰۰۱	*۰/۰۰۱	*۰/۰۰۱
همبستگی پیرسون معناداری	۰/۰۷	۰/۲۹	۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۲۸	۰/۱۲	۰/۲۲
	*۰/۰۰۱	*۰/۰۰۱	*۰/۰۰۴	*۰/۰۰۴	*۰/۰۰۱	*۰/۰۰۱	*۰/۰۰۱
همبستگی پیرسون معناداری	۰/۱۹	۰/۳۵	۰/۲۸	۰/۲۲	۰/۳۱	۰/۳۵	۰/۳۹
	*۰/۰۰۳	*۰/۰۰۱	*۰/۰۰۱	*۰/۰۰۱	*۰/۰۰۸	*۰/۰۰۱	*۰/۰۰۱

برازش شده‌اند. مقدار ریشه خطای میانگین مجزورات تقریباً که در واقع همان آزمون انحراف هر درجه آزادی است، در دامنه کمتر از ۰/۰۸ قابل قبول است. برازندگی نرم نرم‌شده مدل را از حیث مقایسه بین مقادیر کای اسکور مدل مستقل و کای اسکور مدل اشباع شده

برای برازش رابطه‌ای انگیزه خودتعیینی با اخلاق ورزشی ورزشکاران نخبه ایران، از تحلیل مسیر تأییدی (مدل ساختاری) استفاده شد؛ برای این اساس، جدول شماره پنج نتایج برازش ارتباط یادشده را نشان می‌دهد. با توجه به جدول، همه شاخص‌های مدل به خوبی

2. Non-Normed Fit Index (NNFI)

1. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

مزیت‌های شاخص، حساسیت‌نداشتن آن به میزان حجم نمونه است. دامنه پذیرش این شاخص بین ۰/۹۰ تا ۱ است. شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده نیز نسبت واریانس بازتولیدشده را به کمک برآورد مقدار کوواریانس مشاهده‌شده محاسبه می‌کند. میزان قابل قبول برای این شاخص بالاتر از ۰/۸ است.

ارزیابی می‌کند. دامنه پذیرش این مدل مقادیر بالای ۰/۹۰ است. برازندگی تعدیل‌یافته شاخص برازش مقایسه‌ای بتلر نامیده می‌شود که یکی از پرکاربردترین و مناسب‌ترین شاخص‌های تفسیری پیرامون تأیید برازش خوب یا ضعیف مدل است. این شاخص برازش مدل موجود را با مدل مستقل مقایسه می‌کند و یکی از

جدول ۵. مقادیر شاخص‌های برازش شده مدل

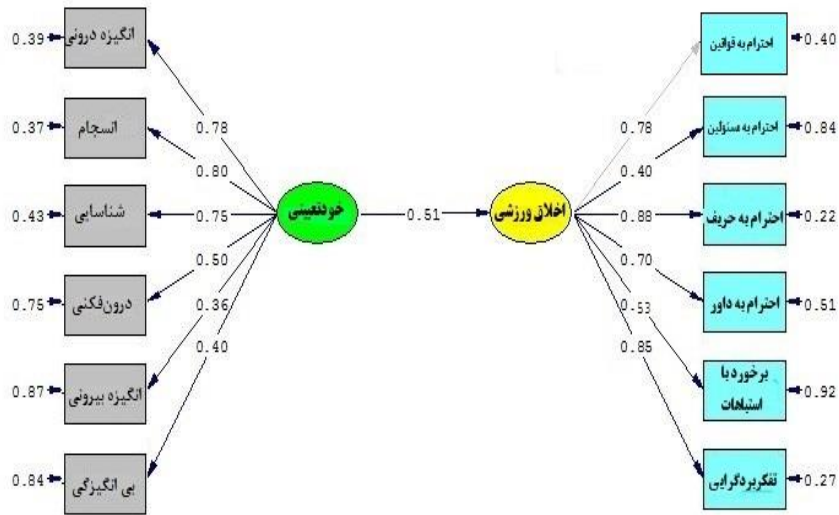
شاخص‌ها	مقدار ریشه خطای میانگین مجزورات تقریب	برازندگی نرم نرم شده	برازندگی تعدیل- یافته	نیکویی برازش اصلاح شده	نتیجه نهایی
میزان قابل قبول	کمتر از ۰/۰۸	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۸	
مدل نهایی پژوهش	۰/۰۶	۰/۹۲	۰/۹۱	۰/۸۹	تأیید

در شکل شماره چهار، نتایج تحلیل مسیر مدل نهایی پژوهش در قالب مدل تخمین استاندارد نمایش داده شده است. همان‌طور که در شکل مشخص است، تمامی بارهای عاملی بین مؤلفه‌ها و عوامل در سطح معقولی (بیشتر از ۰/۴) قرار دارند. براساس شکل شماره چهار، در بخش ورودی (مدل اندازه‌گیری X)، بارهای عاملی بین انگیزه خودتعیینی با انگیزه درونی ($\lambda=0/78$)، انسجام ($\lambda=0/80$)، شناسایی ($\lambda=0/75$)، درون فکنی ($\lambda=0/50$)، انگیزه بیرونی ($\lambda=0/36$) و بی‌انگیزگی

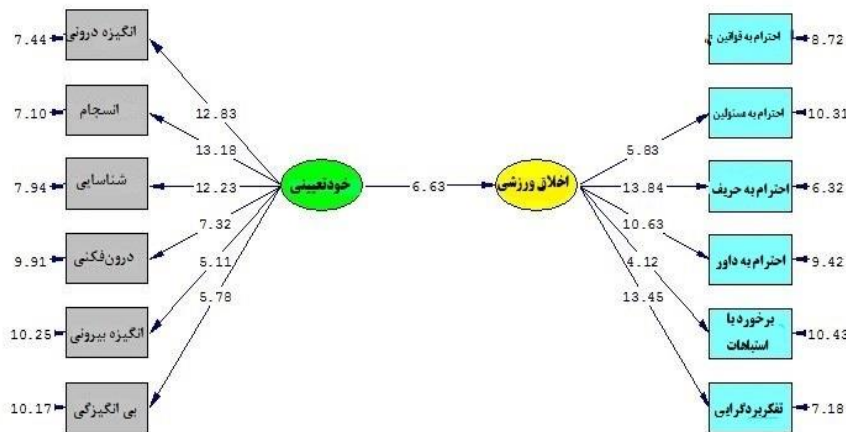
($\lambda=0/40$)، می‌باشند. در بخش خروجی (مدل اندازه-گیری Y) نیز بارهای عاملی بین اخلاق ورزشی با احترام به قوانین ($\lambda=0/78$)، احترام به مسئولان ($\lambda=0/40$)، احترام به حریف ($\lambda=0/88$)، احترام به داور ($\lambda=0/70$)، برخورد با اشتباهات ($\lambda=0/53$) و تفکر بردگرایی ($\lambda=0/85$) می‌باشند؛ بنابراین، با توجه به جدول و شکل مربوط به نتیجه تحلیل مسیر، می‌توان گفت که مدل از برازش مناسبی برخوردار است و مدل پژوهش تأیید می‌شود.

2. Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)

1. Comparative Fit Index (CFI)



شکل ۴. مدل نهایی ارتباط بین خودتعیینی و اخلاق ورزشی براساس مدل ضرایب استانداردشده



شکل ۵. مدل نهایی ارتباط بین خودتعیینی و اخلاق ورزشی براساس مدل اعداد معناداری

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، بررسی ارتباط انگیزه خودتعیینی و اخلاق ورزشی ورزشکاران نخبه ایران بود. خروجی نرم‌افزار لیزرل نشان داد که بین انگیزه خودتعیینی با ضریب استاندارد ۰/۵۱، با اخلاق ورزشی ورزشکاران نخبه ارتباط وجود دارد. در پژوهش حاضر، وضعیت خودتعیینی بازیکنان فوتبال لیگ یک در کل نمونه موردبررسی بالاتر از میانگین گزارش شده است. نتایج حاصل از مدل ارتباطی بین متغیرهای پژوهش، بیانگر بالاترین ضریب استاندارد برای مؤلفه انسجام (۰/۸۰) و انگیزه درونی (۰/۷۸) از بین مؤلفه‌های متغیر خودتعیینی است و از طرفی با اخلاق ورزشی ارتباط دارد که احتمالاً حاکی از این است که اگر بازیکنان به صورت طبیعی و درونی انگیزه شونده، به صورت خلاق در راستای بهره‌وری هرچه بیشتر باشگاه و رضایت هواداران و مدیران شاهد تعهد و محترم‌شمردن قراردادهای اجتماعی و در نتیجه، بروز رفتار اخلاقی هستند. این نتیجه با پژوهش نیکولاس (۱۹۸۴) هم‌راستا است؛ زیرا، نیکولاس معتقد است که نظریه توفیق‌طلبی با بیان این موضوع که تفاوت در تفسیر رویدادها و دامنه رفتارهای قابل‌قبول از سوی ورزشکاران تحت‌تأثیر حاکمیت هریک از معیارهای احساس موفقیت و شایستگی است، چهارچوب مناسبی را برای مطالعه در زمینه اخلاق ورزشی فراهم نموده است.

نتایج پژوهش نشان داد که بین انگیزه خودتعیینی و اخلاق ورزشی ارتباط وجود دارد (شکل شماره چهار). این ارتباط با توجه به ضریب استاندارد بالای زیرمقیاس انگیزه درونی (۰/۷۸) از مؤلفه‌های خودتعیینی و زیرمقیاس تفکربردگرایی (۰/۸۸) از مؤلفه‌های اخلاق ورزشی مؤید آن است. علت آن احتمالاً به‌خاطر علاقه

و میل ذاتی بازیکنان فوتبال برای برنده‌شدن در رقابت‌ها است که بر بالاترین سطح نظریه خودتعیینی دلالت دارد. از طرف دیگر، ذات و هویت فوتبال بر برنده‌شدن بنا نهاده شده است و حس بُردن و ارزشمندی در فوتبالیست حرفه‌ای به‌صورت خودکار درون‌فکنی شده است و باعث بروز پیامدهای روان‌شناختی مثبت در فوتبالیست‌ها می‌شود. این موضوع با پژوهش پلیتر^۱ روسچی، والراند، دسی و ریان، (۲۰۱۳) که بیان می‌کند انگیزه درونی پیش‌بینی‌کننده مثبت عواطف مثبت است و پژوهش نتومانیس و استندیج^۲ (۲۰۰۹) که بیان می‌کند انگیزه درونی پیش‌بینی‌کننده اخلاق ورزشی است و نیز پژوهش‌های والراند و لوزیر (۱۹۹۴)، شهزاد و همکاران (۲۰۱۲) و حریری، ابادری و رودان، (۲۰۱۴) هم‌سو است؛ زیرا، حریری و همکاران در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که اخلاق رابطه تنگاتنگی با انگیزش دارد و افراد اخلاق‌مدارتر دارای انگیزه بیشتری برای خدمت هستند. همچنین، نتایج پژوهش والراند و همکاران حاکی از ارتباط خودتعیینی و اخلاق ورزشی است. با نتایج پژوهش حجی‌پور (۲۰۱۲) مبنی بر ارتباط‌نداشتن تفکر بردگرایی با موفقیت ورزشی ناهم‌سو است. ناهم‌سوبودن رابطه انگیزه خودتعیینی با اخلاق ورزشی، با پژوهش حجی‌پور احتمالاً به‌دلیل تفاوت نمونه آماری و قلمرو پژوهش باشد. با توجه به جدول شماره شش، نتایج نشان‌دهنده ارتباط انگیزه بیرونی از مؤلفه‌های خودتعیینی با تفکربردگرایی از مؤلفه‌های اخلاق ورزشی (۰/۹۴) است. این نتیجه با توجه به نظریه توفیق‌طلبی آمیس (۱۹۹۲) مبنی بر فضای بردمحور و عامل‌های محرک خارجی همچون پاداش، تماشاگران، مربیان و غیره که نوعی تقویت مثبت هستند و انگیزه مضاعفی را بر بازیکنان فوتبال

1. Pelletier

2. Ntoumanis & Standage

تزیق می‌کنند، بر انگیزه بیرونی دلالت دارد و با پژوهش یوسفی و همکاران (۲۰۱۳) و شجیع و همکاران (۲۰۱۴) همسو است. از طرف دیگر، در فوتبال به‌عنوان ورزش رقابتی، بردن به هر قیمت منطقی به‌نظر می‌رسد؛ زیرا، شجیع و همکاران معتقدند که در هر پدیده پول‌ساز و تجاری‌ای مانند فوتبال که تأمین‌کننده منافع بسیاری از افراد و ابزار قدرت است، ایجاد و بروز مسائل ساده و پیچیده اخلاقی در آن طبیعی و قابل‌پیش‌بینی است. این نتیجه با پژوهش حجی‌پور و همکاران (۲۰۱۲) همسو نیست که احتمالاً متفاوت‌بودن جامعه آماری از دلایل ناهمسو بودن است. با توجه به نتایج، نظریه‌اینکه انگیزه‌درونی در ورزشکاران به بروز رفتارهای اخلاقی منتج می‌شود؛ نظریه توفیق‌طلبی زمینه مناسبی را برای اخلاق ورزشی مهیا می‌کند؛ ذات و هویت فوتبال بر برنده‌شدن بنا نهاده شده است؛ حس بردن و ارزشمندی در فوتبالیست حرفه‌ای بر بالاترین سطح نظریه خودتعیینی دلالت دارد و فوتبال به‌عنوان یک ورزش محبوب علاقه‌مندان بی‌شماری دارد و توسط آن‌ها تماشا می‌شود، ضمن مؤثربودن خودتعیینی، به عقیده گایو و جفری (۲۰۱۳)، مفاهیمی چون احترام به قوانین و حقوق دیگران، نوع-دوستی که همان قانون طلایی اخلاق است و بازی جوانمردانه به‌عنوان ارزش‌های اخلاقی آورده شده است، از طریق تماشای رویدادهای ورزشی به‌طور یکسان به تماشاچیان قابل انتقال است. نکته قابل‌توجه دیگر، در نقش مؤثر انگیزه درونی و علاقه که در تعریف اخلاق ورزشی وجود دارد و همچنین، نقش‌آفرینی آن در پاسخ به سؤال اساسی ابزار خودتعیینی، نمایان شده است.

براساس نظریه خودتعیینی، افراد به‌صورت فطری مستعد خودسازمان‌دهی و خودآغازگری اعمال خود در تطابق با علایق و ارزش‌های خود هستند؛ اما محیط‌های اجتماعی می‌توانند مانع چنین کارکرد خودتنظیمی در افراد شوند. یافته مهم این پژوهش وجود رابطه بین انگیزه خودتعیینی و اخلاق ورزشی در بین ورزشکاران فوتبال در لیگ آزادگان است؛ اما سبب-شناسی‌های انجام‌شده درباره خشونت و پرخاشگری در ورزش قهرمانی و حرفه‌ای کشور حاکی از آنند که رفتارهای خشونت‌آمیز و پرخاشگرانه در میدان‌های ورزشی، محصول یادگیری و تجربه هستند (نظریه یادگیری مشاهده‌ای باندورا)؛ اگر ورزشکار در ارزیابی خود متوجه شود که پاداش حاصل از رعایت اخلاق ورزشی از ناپدیدگرفتن اخلاق در ورزش ناچیزتر است، به رفتارهای غیراخلاقی دست خواهد زد (نظریه مبادله اجتماعی هوفنر)؛ احساس ناکامی و سرخوردگی اگر با احساس اجحاف همراه شود؛ احتمال انجام رفتارهای خشونت‌آمیز افزایش می‌یابد (نظریه احساس اجحاف موزر)؛ رفتارهای خشونت‌آمیز در جمع تقویت می‌شوند (نظریه انبوه خلق یا واگیری اجتماعی لوبون) و بالاخره تقلید ناسنجیده ورزشکاران از الگوها و گروه‌های مرجع بیگانه ناشی از فقدان الگوهای برخاسته از متن ارزش-های اجتماعی و فرهنگی کشور است (نظریه گروه مرجع مرتون)؛ از این‌رو، به‌نظر می‌رسد که در سبب-شناسی رواج بداخلاقی در ورزش قهرمانی و حرفه‌ای کشور و ارائه راهکارهای مقابله با آن، باید در کنار استفاده از رویکرد روان‌شناختی، نیم‌نگاهی نیز به ابعاد اجتماعی و فرهنگی بداخلاقی‌های رواج‌یافته در ورزش کشور داشت؛ به‌ویژه آنکه حاکمیت بی‌چون‌وچرای فلسفه بردگرایی در ورزش به سست‌شدن هنجارها و

فضائل اخلاقی منجر می‌شود و توجه به بازی عادلانه را تضعیف می‌کند و تلاش برای پیروزی و بُرد به هر قیمت، رویکرد غالب در ورزش قهرمانی و حرفه‌ای کشور به‌ویژه در رشته ورزشی فوتبال به‌شمار می‌رود. با توجه به نتایج پژوهش حاضر، به مدیران باشگاه‌های فوتبال پیشنهاد می‌شود اخلاق را سرلوحه کار خویش قرار دهند. مدیران، اخلاق ورزشی را در زندگی شخصی و سازمانی خویش رعایت کنند و درصدد نهادینه کردن اخلاق در تاروپود سازمان باشند؛ زیرا، بقا، سودآوری و تعالی سازمانی با اخلاق پیوندی انکارنشده دارد. رعایت اخلاق باعث ایجاد اعتماد در برخورداران شامل کارکنان، سهام‌داران، مشتریان، تأمین‌کنندگان، مؤسسه‌های مالی و غیره می‌شود. اعتماد ورزشکاران نخبه، انگیزش بالاتر و تلاش بیشتر آنان را به‌همراه دارد. تعیین اهداف اخلاقی و عملکردی خاص می‌تواند زمینه‌های بروز اخلاق ورزشی را برانگیخته یا هدایت کند و باعث می‌شود ورزشکاران نخبه اثربخش‌تر فعالیت‌های خویش را انجام دهند. افزون‌براین، افراد باوجدان به‌احتمال قوی فعالیت‌ها و اقدام‌های خود را برای یک هدف خاص صرف می‌کنند؛ برای انجام و اجرای برنامه‌های خود از خودمختاری استفاده می‌کنند و مسئولیت‌های خود را تا به‌نتیجه رسیدن کامل آنها به‌عنوان یک نتیجه، پیگیری می‌کنند. ورزشکاران نخبه‌ای که از لحاظ صفت وجدانی در سطح بالایی باشند، گرایش دارند که در رفتارهای مرتبط به اهداف غرق شوند؛ وظایفشان را در نهایت دقت انجام دهند؛ نسبت به انجام وظایف خود احساس اشتیاق دارند و حداکثر تلاش را برای عالی بودن در محیط ورزشی دارند. از آنجایی که استفاده از روان‌شناس درکنار تیم‌های ورزشی تنوع شیوه‌های برخورد با ورزشکاران را میسر می‌کند و می‌تواند روند موفقیت و توسعه رفتارهای ارزشمند را تسهیل کند و همچنین، در ورزش قهرمانی انتظار بر این است که ورزشکار پیروزی به‌دست آورد، این موضوع ممکن

است انتظار رفتار رضایت‌بخش از ورزشکار را بی‌اهمیت کند. پیشنهاد می‌شود متولیان فوتبال کشور در فرایند جذب بازیکنان با نگرش صحیح و عادلانه اقدام کنند. همچنین، براساس نتایج به‌نظر می‌رسد که برای شکل‌گیری رفتار اخلاقی، زمینه‌های عینی و عملکرد واقعی نسبت به زمینه‌های شناختی و ذهنی اثرهای عمیق تری داشته باشند؛ بنابراین، بهتر است با اعمال رفتارهای عینی مانند گزینش مربیان دارای رفتارهای خوب و منطقی و استخدام روان‌شناس ورزشی و عینی کردن نتایج رفتارهای خوب ورزشکاران، برای نهادینه کردن رفتارهای اخلاقی ورزشکاران اقدام شود. در پایان، پیشنهاد می‌شود دست‌اندرکاران فوتبال کشور در شناسایی کدهای اخلاق ورزشی در فوتبال و عوامل مؤثر در انگیزش بازیکنان تلاش کنند و از این طریق به توانمندسازی بازیکنان برای پاسخ‌گویی برآیند. همچنین، به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود اخلاق ورزشی را با متغیرهای دیگر ورزشی و در رشته‌های دیگر نیز مطالعه کنند.

از محدودیت‌های این پژوهش، پاسخ‌گویی ضعیف برخی از فوتبالبست‌ها و بی‌توجهی برخی از مربیان و مدیران باشگاه‌ها بود. پژوهشگر تمامی مجوزهای قانونی را برای حضور در اماکن ورزشی و ورزشگاه‌ها از مراجع ذی‌ربط دریافت کرده بود؛ اما برخی از مربیان و مدیران باشگاه‌هایی که در جدول امتیازبندی وضعیت مناسبی نداشتند و در شرایط بحرانی به‌سر می‌بردند، همکاری و مساعدت لازم را نکردند. با توجه به نقش اساسی و بنیادی فرهنگ، پیشنهاد می‌شود در زمینه فراتحلیل نقش فرهنگ سازمانی و خودتعیینی در اخلاق ورزشی و نیز تأثیر انگیزه خودتعیینی بر عملکرد و اخلاق ورزشی در سطوح متفاوت ورزش غیرحرفه‌ای و حرفه‌ای (ملی و لیگ برتر)، پژوهش‌هایی انجام شوند.

منابع

1. Abasgholipour, A., Shahbazi, M., & Bagherzadeh, F. (2014). Investigating the attributional styles and motivation of elite athletes and the subtitle of individual sports. *Journal of Behavioral Movement*, 16, 76-92. (In Persian).
2. Aghdasi, M. T. (1992). Studying and comparing the self-esteem of athletic and non-athlete students. (Unpublished master' thesis). Tarbiat Modarres University, Tehran. (In Persian).
3. Ames, C. (1992). Classroom: Goals, structures, and student motivation. *Journal of Educational Psychology*, 84, 261-271.
4. Besharat, M. A. (2007). Psychometric properties, styles of coping with exercise stress. *Olympic Journal*, 15(3), 95-105. (In Persian).
5. Clark, M. H., & Schroth, C. A. (2010). Examining relationships between academic motivation and personality among college students. *Journal of Learning and Individual Differences*, 20, 19-24.
6. Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11, 227-268.
7. Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2011). Levels of analysis, regnant causes of behavior and wellbeing: The role of psychological needs. *Psychological Inquiry*, 22, 17-22.
8. Filak, V. F., & Sheldon, K. M. (2003). Student psychological need satisfaction and college teacher-course evaluations. *Educational Psychology*, 23, 235-742.
9. Foroughipour, H., Sabounchi, R., & Paktinat, Z. (2011). Developmental cognitive and psycho-motor behavior of ethical behavior in the national championship sport country. *Quarterly Journal of Sport Sciences Research*, 2, 86-91.
10. Gagne, M., & Deci, E. L. (2005). Self-determination theory and work motivation. *Journal of Organizational Behavior*, 26(4), 331-362.
11. Gau, L. S., & Jeffrey, D. J. (2013). A ten-value-type Framework associated with spectator sports: A qualitative inquiry. Available at: www.sagepublications.com, 20 April 2017.
12. Hajipour, A., Sharifian, E., & Noraei, T. (2012). An investigation of the relationship between the winning tendencies of the elite athletes in the South Khorasan province (Iran) with their sports achievement. *International Journal of Sport Studies*. 2(8), 385-392. (Persian).
13. Hajipour, A. R., Hamidi, M., Sajjadi, N., & Khabiri, M. (2017). Modeling role of organizational culture and self-determined motivation on sports ethics elite athletes Iran. (Unpublished doctoral dissertation). Campus Alborz University of Tehran, Tehran. (In Persian).
14. Hariri, N., Abazari, S. Z., & Ruthan, Z. (2013). The relationship between Islamic work ethics and motivation of staff, case study. *Journal of Human Resource Studies*, 3(11), 69-82. (In Persian).
15. Hosseini, N., & Abbasi, E. (2012). Guidelines institutionalizing professional ethics in organizations from the perspective of Islamic teachings. *Islamic and Administrative Studies*, 1, 129 -154. (In Persian).
16. Miller, B. W., Roberts, G. C., & Ommundsen, Y. (2004). Effect of motivational climate on sportspersonship among competitive youth male and female football players. *Scandinavian Journal of Medicine & Sciences in Sports*, 14, 193 - 202.

17. Monacis, L., Estrada, O., Sinatra, M., Tanucci, G & Palo, V. D., (2013), Self-determined motivation, sportpersonship, and sport orientation: a mediational analysis. *Procedia-social and behavioral sciences* 89, pp: 461-467.
18. Mousavi, M. S., Kiamanesh, A., & Akhavan Tafti, M. (2015). Academic achievement of educational quality academic engagement peer assisted learning and motivation (A two-level study). *Journal of Educational Innovations*, 55, 69-86. (In Persian).
19. Nicholls, J. G. (1984). Achievement motivation: Conception of ability, subjective experience, task choice, and performance. *Psychological Review*, 91, 328-349.
20. Nikbakhsh, R., Mirzai, A., & Jahansa, N. (2014). Relationship between personality and behavior training exercise: determination theory. *Evolutionary Psychology: Iranian Psychology*, 10(39), 275-284. (In Persian).
21. Ntoumanis, N., & Standage, M. (2009). Motivation in physical education classes: A self-determination theory perspective. *School Field*, 7(2), 194-202.
22. Pelletier, L. G., Rocchi, M. A., Vallerand, R. J., Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2013). Validation of the revised sport motivation scale (SMS-II). *Psychology of Sport and Exercise*, 14(3), 329-341.
23. Rio, J. M. (2005). Motivation and excitement. (Y. Seyyed Mohammadi, translator, 2009). Tehran: Publication Nashr.
24. Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2000a). Intrinsic and extrinsic motivations: Classic definitions and new direction. *Contemporary Educational Psychology*, 25(1), 54-67.
25. Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2000b). Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. *American Psychologist*, 55, 68-78.
26. Sarayzadeh, K. (2008). The relationship between anxiety and documentary styles with academic achievement in 9-12-year-old children in Tehran. (Unpublished master's thesis). University of Tehran, Tehran. (In Persian).
27. Sardari, M., Hashemi, Z., Gravand, N., & Nazim, A. (2013). The relationship between ethics and schema-based social justice approach requires wrestlers in Golestan province. *Journal of Sport Management*, 16, 39-54. (In Persian).
28. Seyyid Aameri, M. H. (2015). Explaining the motivation process (motivators) and its relationship with the ethical behavior of Government Employees the in West Azerbaijan Province Youth and Sports. *Sports Management Studies*, 28, 135-150. (In Persian).
29. Sha'bani Bahar, Gh. R., Erfani, N., Hekmati, Z. (2013). The relationship between exercise motivation and job success rate of employees in the education administration of Kermanshah province. *Applied research in sport management*, No. 3 (7th series), Pp. 22-11. (In Persian).
30. Shahzad, F., Luqman, R. A., Khan, A. R., & Shabbir, L. (2012). Impact of organizational culture on organizational performance: An overview. *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business*, 3(9), 975-985. (In Persian).
31. Shajie, R., Kouzehchian, H., Ehsani, M., & Amiri, M. (2012). The effect of Iranian footballer's ideology on their ethical decision making. *Sports Psychology Studies*, 2; 27-38. (In Persian).
32. Shajie, R., Kouzehchian, H., Ehsani, M., & Amiri, M. (2014). Demographic factors related to ethical decision making of soccer players. *Journal of*

- Ethics in Science and Technology*, 9(2), 1-12. (In Persian).
33. Vallerand, R. J., & Losier G. F. (1994). Self-determined motivation and sportsmanship orientations: An assessment of their temporal relationship. *Journal of Sport & Exercise Psychology*, 16, 229-245.
34. Yousefi, S., Sharifian, E., & Ghahraman Tabrizi, K. (2013). Evaluate the performance of the national team coaches in the promotion of ethics athletic Basic. (Unpublished Master's thesis). Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman. (In Persian).

استناد به مقاله

حجی‌پور، ع.، حمیدی، م.، سجادی، ن.، و خبیری، م. (۱۳۹۸). مدل رابطه‌ای انگیزه خودتعیینی با اخلاق ورزشی ورزشکاران نخبه ایران (مطالعه موردی: لیگ یک فوتبال ایران). *مجله مطالعات روان‌شناسی ورزشی*، شماره ۲۷، ص. ۱۹-۴۰.
شناسه دیجیتال: 10.22089/SPSYJ.2017.4631.1492

Hajipour, A., Hamidi, M., Sajjadi, S. N., & Khabiri, M. (2019). Relational Model Self-Determination Motive with Sport Ethics of Elite Athletes of Iran (Case Study: Iran Football League). *Journal of Sport Psychology Studies*, 27; Pp: 19-40. In Persian. Doi: 10.22089/SPSYJ.2017.4631.1492

Relational Model Self-Determination Motive with Sport Ethics of Elite Athletes of Iran (Case Study: Iran Football League)

Alireza Hajipour¹, Mehrzad Hamidi², Seyyed Nasrollah Sajjadi³, and Mihammad Khabiri⁴

Received: 2017/08/11

Accepted: 2017/12/27

Abstract

The purpose of the present study was to set a relational model of self-determined with sport ethics of elite athletes in Iran. In terms of its objective the research was applied using correlation method. The statistical population of the research consisted of all the football players of the Azadegan league in the season, 2016-2017. The statistical sample consisted of 223 players who were selected randomly. To collect data, the researcher used a questionnaire of sports ethics and sport motivation. Its validity was obtained by ten professors and its reliability by Cronbach's alpha, being 0/88 and 0/79 respectively. To analyze the data, the structural equation method was used to study the causal relationships between the observed variables. Findings show that there is a positive and significant relationship between self-determined and sports ethics. The results of the confirmatory path analysis test indicated the fitting of relationship between self-determined and sports ethics. All factor loadings between components and agents were at a reasonable level and the model had a proper fitting which finally confirmed the conceptual model of the research. Therefore, on the basis of these findings, determined, ethical goals and specific performance can excite or direct the fields of the appearance of sports ethics. Also for the formation of ethical behavior, objective backgrounds and real performance over cognitive and mental contexts can have deeper effects. So it's better with applying objective behaviors such as the selection of coaches with good and logical behaviors and employment a sports psychologist and objectivizing the results of good athletic behaviors, action to institutionalize the ethical behaviors of athletes.

Keywords: Sports Ethics, Self-Determination Motive, Elite Athletes, Football League

1. Ph.D. Student of Sport Planning & Management, University of Tehran
(Corresponding Author) Email: Ahajipour_55@yahoo.com

2, 4. Associate Professor of Sport Management Department, University of Tehran

3. Professor of Sports Management Department of Tehran University